

Research Article

A comparative approach to traditional strategic rules and principles in regulating environmental misconduct in the criminal policy of Iran, the United States, and Islamic jurisprudence

Hamed Reza Khatam Gooya¹, Gholamreza Peyvandi^{*2}, Seyed Hossein Hashemi³,
Mahdi Sheidaean

Received: 2022/10/07

Accepted: 2022/12/19

Abstract

Undoubtedly, one of the important, historical and practical strategies and resources of criminal policy in controlling environmental crimes, along with many laws under the environmental field in[‘ the United States Federal Code, as well as laws related to the environment in the Islamic Penal Code and other specific environmental laws and judicial procedure, as well as international treaties that are generally examined as sources of environmental law under the two systems under review, is the rules, principles, doctrines and teachings of the common law (under the American criminal policy system) on the one hand, and the jurisprudential rules and rulings related to the aforementioned field (in Iranian criminal policy) on the other hand. The importance of such sources is not only due to the history and antiquity of such rules and the effect they have had in approved laws and even judicial procedure to this day, but also due to the criminalization of instances and individuals covered by such rules. In such circumstances, examining such principles and rules within the framework of the strategies proposed in criminal policy under the two systems under review will be necessary. Therefore, this article will seek to examine and apply the principles, rules, and doctrines of the common law and its equivalent and equivalent teachings, foundations, principles, and jurisprudential rules, including fixed and specific rulings (verses and narrations) and general rulings (including the rule of anfal, the rule of no harm, the rule of attrition, and the rule of attribution) in the aforementioned field.

Keywords: Criminal policy, environmental law, environmental crimes, principles and rules of common law, rules of jurisprudence, United States law, Iranian law.

¹ - PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

² - Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. (Corresponding author)

³ - Associate Professor, Department of Law, Mofid University, Qom, Iran.

⁴ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran.

مقاله پژوهشی

رویکردی تطبیقی به قواعد و اصول راهبردی سنتی در تنظیم سوء رفتارهای مرتبط با محیط زیست در سیاست جنایی ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه اسلامی حامد رضا خاتم گویا^۱، غلامرضا پیوندی^۲، سیدحسین هاشمی^۳، مهدی شیداایان ارانی^۴

چکیده

بی‌شک یکی از راهبردها و منابع مهم، تاریخی و کاربردی سیاست جنایی در کنترل سوء رفتارهای زیست محیطی در کنار قوانین بسیاری که تحت حوزه محیط زیست در کد فدرال ایالات متحده و نیز قوانین مرتبط با محیط زیست در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین خاص زیست محیطی و رویه قضایی و نیز معاهدات بین‌المللی که در کل تحت دو نظام مورد بررسی به عنوان منابع حقوق محیط زیست مورد بررسی واقع می‌گردند؛ از یک سوی قواعد، اصول، دکترین و آموزه‌های کامن لا (تحت نظام سیاست جنایی آمریکا) و نیز از سوی دیگر قواعد و احکام فقهی مرتبط با حوزه مزبور (در سیاست جنایی ایران) می‌باشد؛ اهمیت چنین منابعی از طرفی نه تنها به جهت پیشینه و قدمت چنین قواعدی و اثری که در قوانین مصوب و حتی رویه قضایی تا به امروز داشته است، بلکه به جهت جرم‌انگاری مصادیق و افراد تحت شمول چنین قواعدی دارای اهمیت بسیار بوده و در چنین شرایطی بررسی چنین اصول و قواعدی در چهار چوب راهبردهای مطروح در سیاست جنایی تحت دو نظام مورد بررسی ضروری خواهد بود. لذا این مقاله در صدد بررسی و تطبیق اصول، قواعد و دکترین کامن لا و همپایه و برابر با آن، آموزه‌ها، مبانی، اصول و قواعد فقهی اعم از احکام ثابت و خاص (آیات و روایات) و احکام عام کلی (اعم از قاعده انفال، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده تسبیب) در حوزه مزبور خواهد بود.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، حقوق محیط زیست، جرایم زیست محیطی، اصول و قواعد کامن لا، قواعد فقه، حقوق ایالات متحده آمریکا، حقوق ایران.

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۲ - استادیار، گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ - دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.

^۴ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

زیربنای توسعه نظریه حقوقی در ایالات متحده مجموعه ای از قواعد و اصول مربوط به دولت و امنیت اشخاص و اموال است که منشاء، توسعه و تدوین آن در انگلستان بوده است. این قوانین اساسی که توسط افراد دارای میراث آنگلوساکسون به مستعمرات آمریکا آورده شد، به طور رسمی در ایالت‌هایی که پس از انقلاب آمریکا در آن‌ها اجرا می‌شد، به تصویب رسید. این اصول که به عنوان حقوق رایج عرفی شناخته می‌شود، از به کارگیری عقل طبیعی، حس فطری مربوط به عدالت و دستورات وجدان ناشی می‌شوند. قواعد مربوط به حقوق عرفی نتیجه تصویب قانونگذاری نیست. بلکه اقتدار آن صرفاً از عادات و آداب و رسومی ناشی می‌شود که طی سالیان متمادی توسط دادگاه‌ها از طریق تصمیمات قضایی به رسمیت شناخته، تأیید و اجرا گردیده است. در عین حال، درک این نکته مهم است که حقوق کامن لا مجموعه ای ثابت یا مطلق از قوانین مکتوب به همان مفهوم قوانین قانونی یا مصوب قانونی نیست. اصول نانوشته قواعد کامن لا انعطاف پذیر و قابل انطباق با تغییراتی است که در یک جامعه رو به رشد رخ می‌دهد. نهادهای جدید و سیاست‌های عمومی؛ تغییرات در ارزش‌ها، امور مربوط به تجارت و بازرگانی؛ اختراعات؛ و افزایش دانش، همگی موقعیت‌های واقعی جدیدی را ایجاد می‌کنند که نیازمند به کارگیری و تفسیر مجدد اصول اساسی کامن لا توسط دادگاه‌ها است. همانطور که دادگاه‌ها هر مجموعه جدیدی از حقایق را در پرتو سوابق گذشته بررسی می‌کنند، توسعه منظم حقوق عرفی از طریق یک روند آهسته و به طور طبیعی در حال تحول رخ می‌دهد. بنابراین، اصول اساسی زیربنای فقه سنتی آمریکا اساساً ثابت می‌ماند و در طول زمان به آرامی و به تدریج تکامل می‌یابد. حقوق کامن لا، تا آنجا که صریحاً نسخ نشده است، به عنوان بخشی ارگانیک از رویه قضایی اکثر ایالت‌ها در سیستم سیاست جنایی ایالات متحده شناخته می‌شود. استثنای اصلی، رویه قضایی ایالت لوئیزیانا است که بر اساس قانون روم، یادگاری از حکومت فرانسه قبل از خرید ایالت لوئیزیانا است. با این حال، از آنجایی که سیستم‌های دادگاه‌های ایالتی در ایالات متحده مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و صرفاً در مواردی که اهمیت ملی دارند، صرفاً مشمول بازنگری فدرال می‌شوند، حقوق عرفی کامن لا از ایالتی به ایالت دیگر کمی متفاوت خواهد بود. دعوای مبتنی بر چهارچوب کامن لا، دعوای مدنی هستند که در آن‌ها خواهان (طرف دعوی) عموماً به دنبال جبران نقض یک حق مربوط به یک موضوع زیست‌محیطی است. در این مفهوم دعوای مدنی را از دادرسی کیفری متمایز می‌کنیم که در آن دولت به دنبال جبران نقض حقوق عمومی یا جمعی است که در قوانین کیفری مدون تحت دوزنظام سیاست جنایی ایجاد شده است. چنین مکانیزمی در حقوق عرفی سنتی می‌تواند مبنای دعوی در زمینه کنترل آلودگی باشد. (Thomas F. P. Sullivan, 2014). به طور مشابه در نظام سیاست جنایی زیست محیطی ایران نیز آموزه‌ها، مبانی، احکام و قواعد فقهی اعم از احکام ثابت و خاص (آیات و روایات) و احکام عام کلی (اعم از قاعده انفال، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده تسبیب) در حوزه مزبور، به عنوان یکی از منابع راهبردی، ریشه‌ای، تاریخی و مهم حقوق محیط زیست و حتی منابع جرم‌انگاری سوء رفتارهای مرتبط با محیط‌زیست مطرح گردیده است؛ درواقع قواعد و احکام مزبور به عنوان منبعی دینی و فرهنگی، به عنوان قواعدی سنتی و کاربردی به دنبال ارائه راهکارهایی برای تعامل انسان با محیط زیست و کنترل و کاهش سوء رفتارهای زیست محیطی است. با بررسی چنین منابعی و با عنایت به محتوی و مضمون اصول و قواعد مزبور تحت دو نظام مورد بررسی می‌توان به این نتیجه دست یافت که صرف‌نظر از عناوینی که بر چنین منابعی دلالت دارد، منابع مذکور واجد شباهت‌هایی بوده و تا حد زیادی همخوانی‌ها و همپوشانی‌هایی بین اصول و قواعد فوق‌الشاره محسوس و قابل برداشت خواهد بود.

۱_ منابع تاریخی و سنتی حقوق محیط زیست ایالات متحده آمریکا:

۱_۱_ اصول و آموزه‌های کامن لا

به لحاظ تاریخی، حقوق محیط زیست ایالات متحده ریشه در اصول، آموزه‌ها و دکترین‌های کامن لا اعم از دکترین امانت عمومی^۱، حقوق مربوط به مزاحمت^۲، دکترین مسئولیت مطلق^۳، اصل تعدی و تجاوز^۴ و نظریه بی‌مبالاتی^۵ دارد که در ذیل توضیح داده خواهد شد. (West's Encyclopedia of American Law 2004 Jeffrey Lehman & Shirelle Phelps .2004) ; (public-trust doctrine term. , nolo.com 2024, july 26) ; (Erin Ryan , 2020) ;

۱_۲_ دکترین امانت عمومی “public trust doctrine” : دکترین امانت عمومی قاعده‌ای است (اصول کامن لا) که بر مبنای آن منابع معین و خاصی (منابع معین طبیعی و فرهنگی) برای استفاده عمومی محفوظ بوده و این که حکومت موظف و مکلف است برای استفاده معقولانه عمومی آن‌ها را حفظ و برقرار سازد. (Can environmental legislation protect the commons now; californiacoastaltrail.org 2024, july 20); (B.Delworth Gardner, & Randy T. Simmons.2012) ; (public_trust_doctrine , law.cornell.edu 2024, july 20) درمورد ریشه‌های اولیه اصل امانت عمومی گفته شده است که به موجب قوانین و احکام باستانی ومدون تصویب شده از جانب ژوستین امپراتور روم (امپراتور بیزانس در حدود ۵۳۰ پس از میلاد) دریا، سواحل دریا، هوا و آب‌های جاری برای همگان مشترک می‌باشند و نمی‌تواند به استفاده خصوصی اختصاص یابد. (B.Delworth Gardner, Randy T. Simmons.2012) ; (public trust doctrine ; law.cornell.edu , 2024, july 20) به طوری که جزء اموال مشترک شهروندان بوده و متعلق به همگان است. بعدها این اصل و قاعده کلی وارد حقوق انگلیس شد و دکترین امانت عمومی در نظام سلطنتی انگلیس به رسمیت شناخته شد، به طوری که با امضاء و صدور فرمان کبیر یا فرمان آزادی از طرف جان پادشاه انگلستان در سال ۱۲۱۵ تحت پافشاری و اصرار اشراف و نجیب زادگان، حقوق عمومی و مشترک مزبور بیش از پیش تقویت شد، به نحوی که سیم‌های ماهی‌گیری که در ناوربری و کشتیرانی رایگان از رودخانه‌ها ایجاد مانع می‌کرد برداشته شد (public_trust_doctrine , law.cornell.edu 2024 , july 20) ; (Public Trust Doctrine , nrpa.com 2024, july 26) همچنین حقوق مزبور و مفهوم قاعده امانت عمومی توسط قوانین بعدی در انگلستان تقویت شده و پس از آن متعاقباً به عنوان بخشی از کامن لای ایالات متحده آمریکا بدل گشت به نحوی که دعاوی قضایی و نیز برخی از قوانین مصوب کنگره و نیز احکام صادره از سوی دیوان عالی ایالات متحده در تعیین و تعریف مسئولیت دولت تحت قاعده امانت عمومی نقش ایفاء کرده‌اند. به عنوان مثال در قضیه ایالت ایلینوی علیه شرکت راه آهن مرکزی ایلینوی (در سال ۱۸۸۲)^۶ که به موجب آن مجلس قانونگذاری ایلینوی بخش بزرگی از بندر شیکاگو را (سه میلیون هکتار از خط ساحلی در امتداد دریاچه میشیگان برای ایجاد خط آهن) به موجب اعطای امتیازی به شرکت راه آهن مرکزی ایلینوی اعطاء نمود، چندان که شرکت مزبور علاوه بر تصرف و کنترل اراضی مزبور مبادرت به ساخت خط راه آهن، اسکله و سایر تأسیسات در امتداد و در مقابل دریاچه میشیگان کرده بود، تا جایی که در یکم مارس سال ۱۸۸۳ دادستان کل ایالت ایلینوی شکایتی را علیه شرکت راه آهن مرکزی ایلینوی به منظور توقف ساخت و ساز مزبور به ثبت رسانید، به طوری که در پرونده مزبور دادگاه بیان داشت که دکترین اعتماد عمومی کامن لا، دولت

^۱ - public trust doctrine

^۲ - nuisance

^۳ - Strict Liability

^۴-Trespass

^۵- negligence

Illinois Central Railroad v. Illinois, 146 U.S. 387 (1892)-1

را از انتقال دادن حق عمومی و همگانی در رابطه با اراضی تحت آب‌های کشتیرانی باز می‌دارد. (Illinois Central R. Co. v. Illinois, supreme.justia.com 2024 april 10) ; (Illinois central railroad co v-illinois , casebriefsummary.com 2024, August 4) ; (Pearson, Eric , 1996) ; (Alexandra B. ; (Public Trust Doctrine , nrpa.com 2024, july 26) Klass , 2006) ; (Melissa K. Scanlan 2000) گفتنی است که قاعده مزبور در قوانین موضوعه از جمله در بخش 4331 از زیربخش i فصل 51 عنوان 42 کد ایالات متحده در رابطه با اعلانیه کنگره در سیاست ملی محیط زیست **انعکاس** یافته و مورد تأکید واقع شده است. به علاوه قاعده مزبور تحت زیر فصل i فصل 9 عنوان 33 کد ایالات متحده^۱ (بخش 401 به بعد عنوان سی و سوم کد ایالات متحده) به نحوی مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ چندان که به موجب بخش مزبور هر شخص اعم از اشخاص حقیقی یا شرکت‌هایی که به طور غیرمجاز در مسیر (جریان)، وضعیت یا گنجایش هر آبی که به طور سنتی و عرفی قابل کشتی رانی است مانع ایجاد کند، تغییرات ایجاد کند، ساخت و ساز کند (اعم از ساخت هرگونه پل، گذرگاه، سد و غیره...)، حفاری کند و یا آن را پر کند و نیز انداختن، تخلیه کردن یا نشت هرگونه و هر قسم پسماند از هرگونه و هر قسم شناور به داخل آب‌های قابل کشتی‌رانی ایالات متحده جرم بوده و مرتکب تحت قانون مزبور به مجازات جنحه‌ای حبس یا جزای نقدی و یا هردو مجازات (حبس و جزای نقدی) محکوم خواهد شد.

۱-۳- مزاحمت _ nuisance : مزاحمت یا آزار، یک شبه جرم^۲ در نظام کامن لا است که به معنای یک فعالیت انسانی یا یک شرایط فیزیکی است که آسیب رسان، رنج‌زننده و آزاردهنده برای دیگران بوده و به دو صورت مزاحمت عمومی^۳ و مزاحمت خصوصی^۴ قابل تحقق است. **مزاحمت‌های عمومی**، مزاحمت‌هایی می‌باشند که در یک محل عمومی ایجاد شده و یا اخلاق، ایمنی، سلامتی و تندرستی عموم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به عبارت دیگر مزاحمت عمومی دخالت‌های غیرمعقول و نابخردانه در حق عمومی و همگانی مانند آلوده ساختن هوا و آب، نگهداری مواد منفجره، مسدود کردن یک جاده عمومی و سایر رفتارهایی است که با بهداشت و سلامت، ایمنی، صلح یا راحتی و آسودگی عمومی درمغایرت می‌باشد. **مزاحمت خصوصی** یک فعالیت یا شرایطی است که در استفاده و لذت بردن از زمین‌های خصوصی متعلق به همسایه ایجاد مداخله کند. درواقع براساس کامن لا افراد در مالکیت و تصرف اموال غیرمنقول (مانند صاحبان زمین و غیره) حق برخورداری و لذت آرام از اراضی خود را دارند، چنان چه بر فرض مثال یک همسایه با ایجاد بوهای ناشایست و نامطبوع، صداها، آلودگی‌ها و غیره... در لذت (بهره برداری) آرام مزبور مداخله یا پا بگذارد، مزاحم خصوصی محسوب و ممکن است از جانب (طرف تحت تأثیر واقع شده) همسایه آزاردیده ادعایی مبنی بر مزاحمت مطرح گردد (R. ; (Neyers, J.W , 2017) ; (Makowski , 1950) گفتنی است که مزاحمت کامن لا در قوانین موضوعه انعکاس یافته و مورد جرم انگاری نیز قرار گرفته است؛ چندان که به موجب بخش 6501 تا 6505 فصل شصت و پنجم عنوان 18 کد ایالت پنسیلوانا^۵ مزاحمت و سوء رفتارهایی را که از مصادیق آن به حساب می‌آیند را جرم تلقی و برای آن حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است.

۱-۴- نظریه بی‌مبالاتی (غفلت)^۶

(i). Subchapter (9). chapter (33) . us code.title 2 – common law tort-3
public nuisance-4
private nuisance-5

^۱ - title 18 .chapter 65 . section . 6501 untile 6505 of pennsylvania code "Pa. Code"
2 – negligence

بی‌مبالاتی (شبه جرم) به معنای قصور و کوتاهی در رفتار با آن سطح از مراقبت است که یک شخص متعارف محتاط تحت شرایط یکسان با شخص بی‌مبالات، آن را انجام میدهد. (negligence, law.cornell.edu negligence, 2024, August 6), (negligence, nolo.com/dictionary, 2024, April 4) نظریه غفلت، جبران خسارات ناشی از رفتار زیان باری را اجازه می‌دهد که در شرایط مشابه از استاندارد مورد انتظار از یک شخص متعارف محتاط پایین‌تر باشد. غفلت، معمولاً مستلزم اثبات استاندارد رفتاری خاص؛ نقض استاندارد؛ رابطه سببیت بین رفتار و زیان‌های حاصل؛ و تخریب یا ورود خسارت واقعی است. این نظریه در مورد محصولات سمی یا خطرناک یا فعالیت‌های مرتبط با پسماندها یا مواد خطرناک از قبیل معدن کاری یا بازیافت پساب‌ها اعمال می‌شود. (شلیتون، دیناو الکساندرکیس، ۱۳۸۹) به عبارت دیگر حقوق مربوط به بی‌مبالاتی مستلزم آن است که افراد رفتار خود را در شیوه‌ای انجام دهند که با استانداردهای خاصی از رفتار تطابق داشته باشد، جایی که اقدامات یک شخص ناقض آن استانداردها باشد، حقوق مربوط به بی‌مبالاتی شخص را جهت جبران خسارات کسی که در نتیجه آن عمل آسیب دیده است ملزم می‌کند. (negligence.uslegal.com 2024, August 6)

عناصر و ارکان سهل‌انگاری به طور کلی شامل پنج مورد زیر است:

۱_ تکلیف مراقبت و توجه توسط مدعی‌علیه در برابر خواهان

۲_ نقض عهد

۳_ رابطه سببیت واقعی (ارتباط علی و معلولی واقعی بین رفتار مدعی علیه و آسیب ناشی شده)

۴_ سبب نزدیک _ که مربوط به این امر است که آیا صدمه قابل پیش‌بینی بوده است.

۵_ خسارات ناشی از رفتار مدعی‌علیه (Thomas F. P. Sullivan, 2014); (negligence.uslegal.com 2024, August 6)

در رابطه با نظریه غفلت می‌بایست به نکات زیر توجه نمود:

اولاً همپایه با حقوق مربوط به شبه جرم (بی احتیاطی شبه جرم) نظریه فوق‌الشاره در موارد کیفری (بی احتیاطی جنایی) "criminal negligence" نیز مطرح و جاری است؛ باید توجه داشت که این مسئله هنوز محل اختلاف است که آیا بر-اساس قواعد، می‌توان اشخاص را در قبال بی‌مبالاتی مجازات نمود. برخی گفته‌اند که تهدید به مجازات برای رفتار همراه با بی-مبالاتی در بازداشتن افراد از این گونه رفتارها کارایی ندارد. وقتی فرد از خطری که ایجاد می‌کند غافل است، نمی‌توان انتظار داشت که با فکر کردن به مجازاتی که در صورت خلق آن خطر، انتظار او را می‌کشد، از ایجاد آن بازداشته شود. اما دیگران ادعا کرده‌اند که تهدید به مجازات برای رفتارهای خطرساز با این هدف صورت می‌گیرد که مردم را به تفکر بیشتر در خصوص خطرات ناشی از رفتارشان وادارد. بنابراین این مجازات معمولاً به کاهش رفتارهای خطرساز و در نتیجه بهبود امنیت عمومی می-انجامد که خود هدف مهم حقوق کیفری است. (واین، آرفیو. ۱۳۹۰. صص ۷۳ و ۷۴) _ هنگامی که عامل (شخص بی‌مبالات) باید از خطر قابل توجه و توجیه ناپذیر ناشی از اقدام خود آگاه می‌بود، درحالی که عامل، به چنین ریسک و خطری آگاه نیست به صورت بی‌مبالات رفتار کرده است. درواقع در این جا عامل، به خطرات آگاه نیست در صورتی که یک انسان متعارف معقول معمول در شرایط یکسان با عامل می‌بایست به این خطرات آگاه می‌بود. در اینجا نیازی نیست که متهم شخصاً خطر را درک کرده و نسبت به آن بی تفاوت باشد؛ اگر رفتار او چنان انحراف شدیدی از رفتار انسان متعارف باشد که بتوان گفت انسان متعارف خطر را درک می‌کرد، در این صورت متهم، به بی‌مبالاتی کیفری محکوم می‌شود؛ (یعنی یک معیار عینی). (همان. واین،

آرلفیو. ۱۳۹۰. ص ۷۲ تا ۷۵) قانون مجازات نمونه در بخش (2). (2) بی‌مبالاتی را این گونه تعریف می‌کند: کسی نسبت به رکن اساسی جرم، با بی‌مبالاتی رفتار کرده که باید از خطر اساسی و توجیه ناپذیر وجود آن رکن یا وقوع آن در نتیجه رفتارش آگاه می‌بود. خطر باید از چنان ماهیت و درجه‌ای برخوردار باشد که با توجه به ماهیت و هدف رفتار متهم و شرایطی که او بدان آگاه است، قصور او در درک آن خطر، انحراف شدیدی از معیارهای مراقبتی باشد که یک انسان متعارف در موقعیت متهم رعایت می‌کرد. (همان . واین، آرلفیو. ۱۳۹۰) به عنوان مثال اگر شخصی اسلحه گرم پری را در دسترس کودکی بگذارد و کودک مزبور با شلیک به سمت فردی او را بکشد شخص به صورت بی‌مبالات عمل کرده است. (article criminal-negligence) legalmatch.com, Cary R. Perlman , 2009 , p 83 , 2024, september 21) چرا که عامل در این مثال به خطر اساسی و نامتعارف ناشی از اقدام خود آگاه نیست در حالی که یک شخص نوعی متعارف معمول در وضعیت یکسان با شخص مزبور اسلحه پر را در اختیار کودک نمی‌گذارد.

در رابطه با بی‌مبالاتی کیفری؛ آنچه قابل ذکر است که قاعده مورد اشاره در قوانین زیست محیطی مندرج در کد ایالات متحده نمود یافته و مورد استعمال و استناد قرار گرفته است به نحوی که در دو قانون (قانون فدرال آب پاک) و نیز (قانون فدرال هوای پاک) جرایمی را می‌توان یافت که با وضعیت ذهنی بی‌مبالات قابل تحقق می‌باشند. به طور کلی رفتارهایی که با این وضعیت روانی ارتکاب می‌یابند مجازات کمتری نسبت به وضعیت ذهنی آگاهانه (عمدی) خواهند داشت. به عنوان مثال تحت جزء (1),(2),(3) بند (c) بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده^۲ با عنوان 1311 بخش (a) بخش 33 کد ایالات متحده^۳ به آب‌های ایالات متحده ممنوع بوده و جرم تلقی می‌گردد و چنان چه فرد این رفتار را با وضعیت ذهنی بی‌مبالات مرتکب شده باشد به حداکثر یک سال حبس و/ یا جریمه نقدی از \$۲,۵۰۰ - تا \$۲۵,۰۰۰ دلار برای هر روز تخلف یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد و چنان چه این رفتار را با وضعیت ذهنی آگاهانه مرتکب شده باشد به حداکثر ۳ سال حبس و یا \$۵,۰۰۰ - تا \$۵۰,۰۰۰ دلار برای هر روز تخلف یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد.

۱-۵_ قاعده تجاوز (تعدی) "Trespass" _ قاعده تجاوز به معنای هرگونه رفتار از جانب شخصی است که در نتیجه آن فرد دیگری در معرض صدمه یا خسارت قرار می‌گیرد؛ به نحوی که صدمه یا آسیب مزبور نسبت به شخص، اموال یا حقوق (فرد) دیگری وقوع یافته باشد.

در یک مفهوم خاص و مضیق قاعده مزبور شامل ورود به زمین دیگری بدون مجوز و اختیار قانونی است. در چنین صورتی تجاوز به واسطه اقدامی آگاهانه در ورود به املاک غیر بدون اذن و اجازه صاحب آن مال تعریف گردیده است. چنین اقدامی در جهت نقض و تعدی بر حق قانونی صاحب مال در تصرف و بهره‌دنی از منافع مالکیت صورت پذیرفته است. تحت قواعد ناظر بر شبهه جرم (مسئولیت مدنی) صاحب مال می‌تواند دادخواستی مدنی علیه شخص متجاوز به منظور جبران یا ترمیم خسارات وارده به واسطه صدمات متحمل به عنوان یک نتیجه مستقیم از اقدام متجاوزانه مطرح نماید. در اقدامی حقوقی شاکی (مدعی_ خواهان) باید ثابت کند که شخص تخطی کننده (متجاوز) وظیفه‌ای قانونی نسبت به محترم شمردن حق بر مالکیت

1 - 33.U.S.C.1319.(C).(1)&(2)&(3)
2- 33.U.S.C.1311.(a)

۱ - آلاینده های آب را می‌توان بر حسب این که از یک کانون نقطه‌ای یا غیر نقطه‌ای منتشر شده باشند طبقه‌بندی نمود. کانون‌های نقطه‌ای (منابع معین) مشخص و محدودند مثلاً لوله‌های فاضلاب صنعتی که به یک رودخانه یا دریاچه تخلیه می‌شوند. کانون‌های غیر نقطه‌ای آلودگی آب (منابع نامعین) معمولاً نامشخص و متناوب هستند مثل روان آب‌های شهری خیابان‌ها، کانون‌های روستایی، کشاورزی و معدن کاری. (به نقل از ذولفقاری، حسن، ۱۳۹۱)

غیر را آگاهانه نقض کرده به نحوی که منتج به اتلاف یا صدمه مستقیم به خواهان گشته است همچون قاعده تجاوز در معنایی بسط و موسع دلالت بر هرگونه تجاوز، تخطی و اهانت علیه حقوق طبیعی، نظام اجتماعی یا کشوری که افرادی در آن زندگی می کنند اعم از اینکه مربوط به یک فرد بوده و یا نسبت به اموال وی می گردد. مثال هایی از تجاوز شامل ساخت، نصب و افزایش حصار یا دیوار بر روی اموال و املاک دیگری و یا احداث سقفی که مشرف به اموال همسایه بوده و آن را تهدید کند و یا دامپینگ و تخلیه پسماندها بر روی عقار و اموال دیگری خواهد بود. در چنین شرایطی علاوه بر الزام به جبران خسارت، دادگاه ممکن است دستور ممانعت از هرگونه استمرار و ادامه تجاوزات بعدی را اعطاء نماید.

در رابطه با قاعده مزبور می بایست به چند نکته توجه داشت: اولاً قاعده مزبور در مسائل زیست محیطی نیز مطرح و جاری بوده به نحوی که حوادث (آلودگی) زیست محیطی ممکن است سبب مطرح شدن دعاوی کامن لا در قاعده تجاوز گردد؛ این مسئله زمانی حادث می گردد که فردی عامدانه یا به صورت بی پروا چیزی را به عنوان مثال بواسطه دامپینگ (تخلیه) مواد زائد (پسماندها) یا انتشار مواد شیمیایی سمی به زمین اشخاص غیر وارد نماید.

ثانیاً ضمانت اجرای تجاوز، صدور حکم (قرار) بازداشت یا خسران است. یک حکم بازداشت (توقف) دستوری است که از جانب دادگاه جهت بازداشتن یک فرد در انجام کاری (مثل انتشار آلودگی) در بعضی از موارد الزام آن ها به انجام کاری صادر و اعمال می گردد. خسران جبران خسارات وارد (اعطای پولی) است که می بایست توسط فرد متجاوز به عنوان تاوان و جبران اتلاف یا خسارات و زیان وارده است پرداخت گردد.

ثالثاً اصل تجاوز در حوزه ای از حقوق کیفری و یا مسئولیت مدنی (شبه جرم) عموماً به سه گرو شامل تعدی نسبت به شخص، تعدی نسبت به اموال و احشام و تعدی و تجاوز نسبت به زمین تقسیم می گردد؛ تجاوز به اشخاص به لحاظ تاریخی شامل شش گروه از تعدی اعم از تهدید اشخاص، حمله (تهدید به آسیب) ضرب و شتم یا مجروح و یا اختلال و ازکار افتادگی عضوی از اعضای بدن خواهد بود.

رابعاً قاعده مزبور امروزه بنا بر شمول مصادیق و افراد وابسته به آن در بسیاری از دعاوی و قوانین موضوعه اعم از کد فدرال ایالات متحده (در حوزه فدرال) و هم در قوانین ایالتی انعکاس یافته و همپایه با آن از جانب قانون گذار مورد جرم انگاری واقع گردیده است؛ به عبارت دیگر تجاوز در جهت و هدفی غیر قانونی ممکن است جرم بوده و شخص متجاوز به حقوق دیگری (منتشر کننده آلاینده ها) از جانب قانون گذار با ضمانت اجرای کیفری روبرو گردد. Trespass, law.cornell.edu, (2024 april 2) ; trespass, thelawdictionary.org, (2024 april 2) ; trespass, dictionary.law.com (2024 april 6) به علاوه در زمینه زیست محیطی، طرفینی که بر اساس مسئولیت مدنی ناشی از تئوری های تجاوز مسئول شناخته شده اند، معمولاً نه شخصاً به اموال مجاور وارد شده اند و نه چیزی از آن ملک گرفته و تصرف نموده اند؛ بلکه باعث آلودگی شده اند که در اثر انتشار به ملک دیگری مهاجرت کرده یا به اموال دیگری تجاوز نموده است و باعث آسیب و تداخل در مالکیت انحصاری همسایه گردیده است. بنابراین، مطابق با این نظریه مسئولیت، دادگاه در پرونده استرلینگ مقابل شرکت شیمیایی ولسیکول^۱؛ یک شرکت شیمیایی را مسئول تجاوز به آلودگی ناشی از دفن زباله شیمیایی خود دانست که چاه تامین آب مجاور را تحت تاثیر قرار داده است. (Thomas F. P. Sullivan, 2014)

^۱ - Sterling v. Velsicol Chemical Corp., 647 F. Supp. 303 (W.D. Tenn. 1986)

۱-۶_ **دکترین مسئولیت مطلق "Strict Liability"**: در یک تعریف کلی، مسئولیت مطلق عبارتست از مسئولیت کیفری (یا مدنی)^۱ شخص مرتکب به واسطه صرف فعل یا ترک فعل خلاف قانون، صرف نظر از لزوم و مشایعت هر شکل و هرگونه وضعیت روانی (اعم از آگاهی، عمد، بی‌مبالاتی و یا بی‌پروایی). (strict-liability crimes , legalmatch.com , 2024 June 3) ; (strict_liability , law.cornell.edu. 2024, september 23) (Thomas F. P. Sullivan , 2014) ; (ADAM D.K. ABELKO , 2013) ; در نظام حقوقی ایالات متحده مسئولیت مطلق به عنوان مسئولیت مدنی مبتنی بر شبه جرم یکی دیگر از تئوری‌های حقوق عرفی مبتنی بر نظام کامن لا و از دیگر راهبردهای سنتی سیاست‌جنایی در قبال کاهش و کنترل سوء رفتارهایی است که اغلب توسط دادگاه‌ها در پرونده‌های زیست محیطی برای جبران آسیب‌های زیست محیطی اعمال گردیده است. براساس این نظریه، مسئولیت در قبال خسارات وارده به اشخاص یا اموال می‌تواند بدون نیاز به نشان دادن سهل انگاری تحمیل گردد.

در آمریکا، هم در حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر شبه جرم سنتی و هم در حقوق کیفری، مسئولیت مزبور زمانی وجود دارد که متهم مسئول ارتکاب عملی؛ صرف نظر از این که قصد یا وضعیت ذهنی او در هنگام ارتکاب آن عمل چه بوده است در نظر گرفته خواهد شد. در نظام کیفری ایالات متحده، جرایم تصرف و تجاوز به عنف هر دو نمونه‌ای از جرایم مسئولیت مطلق هستند. طبق استاندارد مبتنی بر مسئولیت مطلق، دادگاه ممکن است متهم را مسئول تشخیص دهد، بدون توجه به این که آیا او مراقبت معقولی انجام داده است یا خیر؛ بنابراین، در حالی که یک قاعده سهل انگاری به عنوان یک نوع استاندارد نظارتی عمل می‌کند، مسئولیت مطلق بیشتر شبیه مالیات پیگوویی^۲ است که از نظر قضایی تحمیل گردیده که بر مبنای آن متهم باید جریمه و خسارات هر آسیبی را که ایجاد می‌کند بپردازد. بنابراین، مسئولیت مطلق، جبران آسیب‌های ناشی از فعالیت‌هایی را فراهم می‌کند که مراقبت لازم برای آن‌ها نمی‌تواند خطر را کاهش دهد؛ چنین مسئولیتی درمورد "فعالیت‌های غیرعادی خطرناک" اعمال می‌گردد. در نظام سیاست جنایی ایالات متحده الزامات دقیق برای تشخیص غیرعادی خطرناک بودن یک فعالیت از ایالت به ایالت دیگر متفاوت است، اما «به طور کلی این فعالیت باید خطر قابل پیش بینی قابل توجهی داشته باشد که حتی زمانی که مراقبت معقول در انجام فعالیت انجام می‌شود، قابل حذف نیست؛ از بیست و هفت حوزه قضایی در ایالات متحده که از سال ۲۰۰۸ میلادی اعمال مسئولیت مطلق را در مورد فعالیت‌هایی که باعث آسیب زیست محیطی گردیده اند؛ در نظر گرفته اند، بیست مورد درخواست رسیدگی قضایی را تایید نموده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به آلودگی اموال و منابع آب توسط مواد شیمیایی ناشی از چاه‌های نفت و گاز و عملیات صنعتی اشاره نمود. وانگهی در زمینه زیست محیطی، یک مثال معمول از یک اقدام قضایی مبتنی بر مسئولیت مطلق ممکن است شامل یک فعالیت فوق‌خطرناک باشد مانند نگهداری یک ماده بالقوه

^۲ - باید به این نکته توجه نمود که دکترین مزبور هم در بحث شبه جرم (مسئولیت مدنی) و هم در مسئولیت کیفری، تنها به صرف انجام فعل یا ترک فعل صرف‌نظر از هرگونه وضعیت روانی لازم و تنها به صرف وجود رابطه علیت بین فعل مرتکب و صدمه یا خسارت، عامل را مسئول جبران صدمه و خسارت مزبور در جنبه مدنی دانسته و به لحاظ جنبه کیفری نیز مرتکب به مجازات تعیین شده برای صرف تحقق رفتار مجرمانه‌ای که در قوانین موضوعه از جانب قانون‌گذار تعیین گردیده است محکوم خواهد شد.

^۳ - مالیات پیگوویی: (به انگلیسی: Pigovian tax)؛ راهی برای جلوگیری از اثرات جانبی منفی یا فعالیت‌هایی است که هزینه‌ای را بر اشخاص ثالث و جامعه تحمیل می‌کنند. به گفته اقتصاددان انگلیسی آرتور پیگو، اثرات جانبی منفی مانع از رسیدن اقتصاد بازار به تعادل می‌شوند، زمانی که تولیدکنندگان تمام هزینه‌های تولید را تقبل نمی‌کنند. او پیشنهاد کرد که این امر می‌تواند با وضع مالیات‌هایی که برابر با مسئول آن هستند، کاهش دهد. اثرات جانبی منفی لزوماً "بد" نیستند. در عوض، اثر جانبی منفی زمانی رخ می‌دهد که یک نهاد اقتصادی هزینه‌های فعالیت خود را به طور کامل درونی نکند. در این شرایط، جامعه و محیط زیست می‌توانند در نهایت متحمل آن هزینه‌های اضافی شوند. به نقل از: investopedia.com (2 may 2024) ; Pigovian Tax: Definition, Purpose, Calculation, and Examples

خطرناک توسط مالک زمین در ملک خود که اگر اجازه انتشار داده شود، مطمئناً به دیگران آسیب می‌رساند. بر اساس دکترین مسئولیت مطلق، مالک زمین در چنین شرایطی باید خسارت ناشی از انتشار و فرار ماده مزبور را بدون توجه به سهل‌انگاری خود جبران کند. این راهبرد و نظریه مسئولیت مزبور مبتنی بر اصول حقوقی طولانی مدت است؛ به نحوی که بیش از یک قرن پیش، یک دادگاه انگلیسی در پرونده حقوقی رایلندز علیه فلچر^۱ تشخیص داد که یک متهم می‌تواند بدون در نظر گرفتن تقصیر در قبال خسارات مالی ناشی از طغیان مرتبط با ملک همسایه در هنگام شکست سد بر روی اموال متهم، مسئول باشد. دادگاه تصمیم خود را با اعلام این که یک طرف باید هزینه‌های خسارات ناشی از استفاده خطرناک و «غیر طبیعی» از زمین را متقبل شود، صرف نظر از اینکه طرف در تلاش برای کنترل خطرات مرتبط با چنین استفاده‌ای دقت لازم را انجام داده است، توجیه نمود. دلیل این استاندارد مسئولیت سخت این است که وقتی افراد متحمل ضرر می‌شوند، هیچ دلیل موجهی نمی‌توان یافت که زیان را علیه کسی که در آن سهم نبوده است، پردازد. با این حال، اگر شخصی به منظور کسب سود در یک فعالیت فوق‌خطرناک یا خطرناک شرکت می‌کند، طرف مزبور باید بار جبران خسارت دیگرانی را که از فعالیت‌های وی آسیب دیده‌اند، به دوش بکشد. (ADAM D.K. ABELKO , 2013 , Thomas F. P. Sullivan , 2014) با عنایت به دکترین مزبور لازم به ذکر است که در نظام حقوقی ایالات متحده، در رابطه با جرایم زیست محیطی، مسئولیت فاقد تقصیر یا مسئولیت مطلق پذیرفته شده و در تعدادی از قوانین موضوعه انعکاس یافته است. به عنوان مثال تحت بند (a) بخش 707 عنوان 16 کد ایالات متحده^۲ (قانون فدرال معاهده پرندگان مهاجر) برای هرگونه تخلف از مفاد زیر فصل مربوطه (زیر فصل دوم از فصل هفتم عنوان شانزدهم کد ایالات متحده) اعم از بخش 703 از عنوان شانزدهم کد ایالات متحده^۳ (که بخشی از زیر فصل دوم است) مجازات جت‌های حد اکثر 15,000 دلار جزای نقدی یا حداکثر شش ماه حبس در نظر گرفته است؛ چنان که قانونگذار فدرال برای بند مزبور هیچ‌گونه قیدی که مبنی بر عنصر معنوی باشد (مثل عامدانه، آگاهانه، بی‌مبالات و یا بی‌پروایی) استفاده نکرده و به عبارت بهتر بند مزبور متضمن مسئولیت مطلق یا بدون تقصیر خواهد بود. بر فرض مثال با عنایت و توجه به بخش 703 مزبور "ایراد صدمه و یا کشتن هرگونه پرنده مهاجر و محافظت شده به هر وسیله و با هر شیوه‌ای" ممنوع بوده و به موجب بند a بخش 707 مزبور جرم جت‌های محسوب و قابل مجازات خواهد بود و بر فرض مثال چنان چه شخصی با ریختن روغن در برکه‌ای که پرندگان محافظت شده (مثل عقاب طلایی آمریکایی) از آن آب خورده و کشته شده‌اند، به نحوی که حتی کشته شدن چنین پرندگانی در اثر یک اتفاق و بدون هیچ‌گونه قصد و غرضی انجام گیرد، جرم بوده و تنها به صرف ارتکاب رفتار، قابل مجازات بوده و هیچ‌گونه وضعیت روانی و یا سوء نیت کیفری (اعم از آگاهی، عمد یا بی‌مبالاتی) جهت اثبات بزه مذکور مورد نیاز نبوده و تنها به مجرد وجود رابطه علت و معلولی بین رفتار متهم و کشته شدن یا ورود آسیب به پرندگان محافظت شده، قابل تعقیب کیفری خواهد بود. (Philip H. Hilder and Paul L. Creech , 2019 may 6) البته باید به این نکته توجه داشت که بند (b) بخش 707 قانون مزبور که متضمن جرم جنایی است (دراثر اصلاحاتی که بعدها قرار گرفت) برای ارتکاب برخی از مصادیق مثل گرفتن هرگونه پرنده محافظت شده (مهاجر) به قصد فروش یا عرضه برای فروش یا مورد معامله قرار دادن چنین پرندگانی، عنصر معنوی در نظر گرفته و از قید ((آگاهانه)) استفاده کرده است، ولی با این حال بند (a) بخش مزبور همچنان متضمن مسئولیت مطلق است. از دیگر قوانین زیست محیطی که مسئولیت مطلق را مقرر می‌دارد قانون رودخانه‌ها و بنادر مصوب 1988 می‌باشد. لازم به ذکر است که قانون مزبور قدیمی‌ترین قانون کیفری زیست محیطی ایالات متحده می‌باشد. به موجب این قانون تخلیه هرگونه ماده پسمانده (از هر نوع و هر شکلی) به آب‌های قابل کشتیرانی ایالات متحده ممنوع و جرم می‌باشد و برای آن مسئولیت بدون تقصیر یا مطلق در نظر گرفته است. به

¹ - Rylands v. Fletcher. House of Lords. L.R. 3 H.L. 330 (1868)

2- 16.U.S.C.707.a

3- 16.U.S.C.703

عنوان مثال در قضیه سلندانگ آیو^۱ که به موجب آن در سال ۲۰۰۴ میلادی کشتی ترابری سلندانگ آیو (شرکت کشتیرانی آی ام سی) که حامل ۶۶۰۰۰ تن سویا و نیز حدود ۳۴۰۰۰ گالن نفت و سایر فرآورده‌های نفتی بود در غرب آلاسکا به گل نشست و از کشتی مزبور مقدار قابل توجهی سویا و مواد نفتی به آب‌های منطقه نشت کرد. چنان که در نتیجه نشت، صدها گونه از پرندگان مهاجر و حدود ۳ مایل دریایی از خط ساحلی به نفت آغشته شد. در سال ۲۰۰۷ میلادی وزارت دادگستری ایالات متحده تصمیم گرفت که مالکین کشتی مزبور را تحت تعقیب کیفری قرار دهد و دادگاه شرکت باربری مزبور را به دو فقره نقض از قانون رودخانه‌ها و بنادر و نیز یک فقره تخلف از قانون پرندگان مهاجر (تحت مسئولیت مطلق کیفری) محکوم و به پرداخت ۱۰ میلیون دلار جزای نقدی ملزم کرد. (Philip H. Hilder and Paul L. Creech, 2009); (Cary R. Perlman, 2009); (Kristina Alexander, 2010) (2019 may 6)

۲_ منابع سنتی و تاریخی ایران در حقوق محیط زیست

۲_۱- منابع و قواعد فقهی

هم پایه و برابر با آنچه راجع به اصول و آموزه‌های کامن لا بیان گردید، می‌توان یکی از منابع حقوق محیط زیست ایران را آموزه‌ها، مبانی و قواعد فقهی اعم از احکام ثابت و خاص و احکام عام کلی دانست. در واقع تخریب یا اتلاف یا آلوده‌سازی بنا به ادله فقهی بسیاری همچون آیه‌های قرآن، روایات، قاعده اتلاف، قاعده لاضرر، دلیل عقل، سیره عقلا و غیره منفی بوده و انسان موظف به حفظ محیط زیست و تأمین سلامت آن است.^۲ در ذیل به طور خیلی مختصر به برخی از این مبانی و قواعد پرداخته خواهد شد.

۲_۱_۱- احکام عام کلی

منظور از احکام عام و کلی احکام موضوعاتی است که حکم صریح آن‌ها در قرآن نیامده و یا در روایات و احادیث نقل نشده‌اند، در نتیجه احکام موضوعات مزبور را می‌بایست در سایر احکام اسلام یافت و آن احکام کلی و عام می‌باشد. علت وجودی این احکام حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می‌آیند.^۳ مثل قاعده لاضرر، اصل اتلاف و غیره ...

۲_۱_۱_۱- **قاعده لا ضرر:** در رابطه با قاعده مزبور گرچه نصوص شرعی متعددی به عنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است، اما بدون تردید قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار از احکامی است که عقل صرف نظر از متون شرعی یا ادله نقلی به آن حکم می‌کند و از مستقلات عقلیه است. در مورد مدارک و مستندات قاعده مزبور می‌توان به آیاتی از قرآن کریم (مانند آیه ۲۳۱ و ۲۳۳ سوره بقره یا آیه ۱۲ سوره نساء) که مستقیماً به نهی از اضرار تأکید دارند و نیز روایاتی (مثل روایت سمره ابن جندب) که در این زمینه وجود دارد استناد نمود.^۴ به موجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد حتی اگر قانونی وضع شود که موجب ورود ضرر به فرد و یا جامعه شود و یا در مرحله اجراء موجب ضرر گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد.^۵ این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون‌گذاری و اجرای قانون به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و

1 - United States v. IMC Shipping Co. Pte. Ltd., No. 3:07-CR-00096-RPB (D. Alaska aug . 22, 2007)

۱ - محمد زاده رهنی، محمد رضا. ۱۳۸۹. بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست. تخصصی فقه و تاریخ تمدن. سال ششم، شماره ۲۵، ص ۱۷۷

۲ - تقی زاده انصاری، مصطفی. ۱۳۸۹. چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی. تحقیقات حقوقی آزاد. شماره ۸ و ۱۰، ص ۳۳

۳ - موسوی، سید ابراهیم. ۱۳۷۸. قاعده لا ضرر. حقوقی دادگستری. شماره ۲۸ و ۲۹. صص ۱۱۹ تا ۱۴۲

۴ - تقی زاده انصاری، مصطفی. پیشین. ۱۳۸۹. ص ۳۶

طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است.^۱ درواقع درحوزه حقوق محیط زیست اعمال قاعده لا ضرر به ممنوعیت هر فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می انجامد که دارای اثرات مخرب زیست محیطی با تمامی ابعاد متعدد آن اعم از انسانی، جانوری، گیاهی، اشیاء و ابنیه، سلامت منظر، ساخت شهری و... باشد.^۲ به عبارت دیگر آلوده کردن محیط زیست به هر شکل و صورتی که انجام گیرد خواه این آلاینش از نوع آبی، خاکی، هوایی یا صوتی باشد نوعی اضرار اجتماعی است و ممکن است که گاهی موجب تجاوز به حقوق میلیون ها انسان گردد.^۳

۲-۱-۱-۲_ قاعده اتلاف: این قاعده از جمله قواعد ایجاد مسئولیت بوده و مستند آن آیه ۱۹۰ سوره بقره و روایات متعدد همچون روایتی از حضرت رسول (ص) که فرمودند "حرمة مال المسلم كحرمة دم" و "من اتلف مال الغير فلهو ضامن" می باشد. همچنین گفتنی است که نظر اجماع فقها و نیز مستندات عقلی چنین قاعده ای را حکم می کند. به موجب قاعده مزبور هرکسی که با عمل خود خواه فعل ترک فعل اموال دیگری اعم از اموال خصوصی و عمومی و یا منافع آن را عمداً یا سهواً بدون اذن صاحب مال تلف نماید مسئول جبران خسارت بوده و باید غرامت آن را بپردازد.^۴ از حیث زیست محیطی قاعده اتلاف را می توان این گونه بیان نمود که هرگاه کسی با ایجاد آلودگی های محیط زیستی به گونه ای به طبیعت آسیب رساند که باعث تخریب و اتلاف سرمایه های طبیعی همگانی شود مکلف به جبران خسارت است.^۵ به عبارت دیگر بر اساس این قاعده از بین بردن مال دیگری، حرام بوده و موجب ضمان می شود؛ بنابراین تخریب و از بین بردن محیط زیست که جزء اموال عمومی است و حق استفاده از آن متعلق به همه مردم است نیز حرام و موجب ضمان خواهد بود.^۶

در رابطه با قاعده اتلاف ذکر این نکته نیز حائز اهمیت خواهد بود که قانونگذار تحت قوانین کیفری اعم از قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص مرتبط با محیط زیست مصادیقی از اتلاف عمدی را جرم انگاری نموده و برای آن ضمانت اجرای کیفری قرار داده است؛ چندان که تحت ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. و همچنین مطابق بند ج ماده ۱۱ قانون شکار و صید از بین بردن رستنی ها و تعلیف و تخریب (عمدی) در پارک های ملی و آثار طبیعی ملی و هرگونه تجاوز و فعالیت غیرمجاز در این گونه موارد، جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه مجازات دربر خواهد داشت.

۲-۱-۱-۳_ قاعده تسبیب: بحث تسبیب، طبق رویه معمول نزد فقها، بلافاصله در ذیل عنوان اتلاف م مطرح می شود؛ زیرا در حقیقت، تسبیب نوعی از اتلاف است. این قاعده مبتنی بر مدارک روایی چندی همچون "کل شی یضر بالطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه" و نیز "من حفر بئراً فی غیر ملکه کان علیه ضمان" بوده و اجماع فقیهان بر اعتبار آن قائم

^۵ - عمیق، محسن، ۱۳۸۸. درآمدی بر فقه محیط زیست. فقه و اصول. سال شانزدهم، شماره ۵۹. صص ۹۷ تا ۱۲۰

^۶ - فهیمی، عزیز الله. و علی عرب زاده. ۱۳۹۰. مبانی فقهی حقوق محیط زیست. پژوهش نامه حقوق اسلامی. سال سیزدهم، شماره اول. ص ۱۹۲

^۷ - عبد خدایی، محمد هادی. ۱۳۷۵. قاعده لا ضرر و بهداشت محیط زیست. مطالعات اسلامی. شماره ۳۳ و ۳۴. صص ۱۰۰

^۱ - همان. تقی زاده انصاری. ۱۳۸۹. صص ۴۰ تا ۴۱ همچنین نگاه کنید به . فخلعی، محمد تقی. و احسان تازی مرادی. ۱۳۸۵. مبانی و احکام فقهی محیط زیست. مطالعات اسلامی. شماره ۷۱. صص ۵۴ تا ۵۷

^۲ - فهیمی، عزیز الله. و علی عرب زاده. پیشین. ۱۳۹۰. ص ۱۹۳

^۳ - محمد زاده رهنی، محمد رضا. پیشین. ۱۳۸۹. ص ۱۸۶

شده است.^۱ به عبارت دیگر با عنایت به روایت رسیده از جمله "من اضر بشی من طریق المسلمین فهو الضامن له" قاعده تسبیب با توسعه و تنقیح مناط در عنوان طریق المسلمین اثبات می‌کند که هر نوع ایجاد خسارت یا ضرر، هر چند به شکل غیر مستقیم به اشخاص و عموم مردم حرام و مستلزم ضمان است این قاعده هم شکلی دیگر از ضمان می‌باشد و در مورد مشکل تخریب و نابودی منابع طبیعی و محیط‌زیست نیز قابل استفاده است.^۲ همچنین تفاوت این قاعده با قاعده اتلاف در آن است که اولی شامل تلف بالمباشره و دومی شامل تلف بالواسطه می‌شود. بر اساس این قاعده هر اقدامی که به طور غیر مباشر موجب تخریب، آلودگی و از حیز انتفاع خارج شدن عناصر محیط زیست گردد ضمان آور خواهد بود.^۳

در رابطه با قاعده تسبیب می‌بایست به چند نکته توجه نمود:

اولاً_ این قاعده نقش‌هایی تسبیبی ناشی از ترک فعل را هم در بر می‌گیرد به طور مثال، عدم اقدام به موقع اشخاص یا نهادهای مسئول سبب خسارت‌های زیست محیطی و از بین رفتن ذخایر محیط زیست شود مسئولیت جبران خسارت به حکم این قاعده بر عهده سبب خواهد بود.^۴

دوما_ در قاعده تسبیب نیز اگر کسی مستقیماً و یا به طور غیرمستقیم ورود خسارت به محیط زیست شود ضامن بوده و باید جبران خسارت نماید.^۵

ثانیاً_ روایات رسیده در باب تسبیب همه اطلاق داشته و اعم هستند از این که مرتکب با قصد و نیت اضرار به غیر مبادرت به عمل کند یا این که بدون قصد و نیت خاصی اقدام کند و سبب ایراد خسارت به دیگری شود. در واقع همان طور که در بحث قاعده اتلاف جاری است هر چند عمد و قصد به اضرار لازم نیست، اما احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی‌تردید لازم است. از این رو هرگاه حیوان متعل به شخصی بر حیوان دیگری یا مال او هجوم آورد و خسارت وارد سازد، صاحب حیوان ضامن نیست، مگر این که در حفظ آن تقصیر و کوتاهی کرده باشد؛ ذکر این نکته به خاطر آن است که در صورت عدم تقصیر در خصوص مورد تسبیب، انتساب خسارت به مسبب احراز نمی‌گردد. (۶/۹/۱۳۹۹ قاعده تسبیب، wikifeqh.ir)

رابعاً_ با عنایت به محتوا و مضمون قاعده تسبیب و همچنین اتلاف و با عنایت به این که تنها به صرف رابطه سببیت بین فعل مباشر در اتلاف و مسبب در تسبیب صرف نظر از هرگونه وضعیت ذهنی لازم اعم از عمد، آگاهی، بی‌پروایی یا بی‌مبالاتی در تحقق آن و با عنایت به این که اتلاف و تسبیب نیز به نوعی تعدی و تجاوز به حقوق افراد و اموال آن‌ها محسوب است، لذا تشابهاتی بین اصل تجاوز و تعدی و نیز دکترین مسئولیت مطلق (به ویژه مسئولیت مطلق در شبه جرم و مسئولیت مدنی کامن لا) با قاعده تسبیب و اتلاف وجود داشته و تا حدودی همخوانی‌ها و همپوشانی‌هایی بین اصول و قواعد فوق‌الشاره محسوس و قابل برداشت خواهد بود.

خامثاً_ همچون قاعده اتلاف مصادیقی از تسبیب عمدی تحت قوانین خاص زیست محیطی از جانب قانون گذار مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ چندان که به موجب بند د ماده ۱۲ قانون شکار و صید آلوده نمود آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبشخورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال و یا به جزای نقدی از یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. و یا مطابق بند ۶ ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع

^۴ - فخلعی، محمد تقی. و احسان تاری مرادی. پیشین. ۱۳۸۵. ص ۵۶

^۱ - شهریار، حمید. و سادات حسینی. مبانی فقهی حفظ محیط زیست. الاهیات اجتماعی. سال دوم. شماره ۳. صص ۳۱۴ تا ۳۱۵

^۲ - فخلعی، محمد تقی. و احسان تاری مرادی. پیشین. ۱۳۸۵. ص ۵۶

^۳ - همان. فخلعی، محمد تقی. و احسان تاری مرادی. ۱۳۸۵. ص ۵۶

^۴ - تقی زاده انصاری، مصطفی. پیشین. ۱۳۸۹. ص ۴۱

آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماری مسری و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و هرگونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبزی گردد یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی در برخواهد داشت، به نحوی که در موارد فوق اتلاف و از بین رفتن منابع آبزی بالتسبیب (ریختن آلاینده در آب و از بین رفتن منابع آبزی) و به صورت عمدی صورت پذیرفته است.

۲_۱_۱_۴_ قاعده انفال: بعضی از اموال و دارائی‌های موجود در کره زمین وضعیتی خاص دارد که مالکیت همه

افراد جامعه نسبت به آن‌ها و در اختیار عموم قرارگرفتن آن اموال با حکمت و فلسفه ملکیت در جامعه انسانی منافات دارد. کاربرد این نوع دارائی در جهت مصالح همگان آن است که با نظارت و ولایت خاصی مورد تصرف واقع شود. قسمت عمده‌ای از دارائی‌ها و امور با ارزشی که به جهات مختلف، زندگی انسان‌ها به آن‌ها بستگی دارد در فقه اسلامی انفال نامیده می‌شود. در مورد مستندات قاعده مزبور می‌توان به قرآن کریم از جمله آیه ۱ سوره مبارکه انفال که می‌فرماید "درباره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال اختصاص به خدا و فرستاده او دارد" و همچنین روایات بسیاری مانند روایت‌های داود بن فرقدو حماد از امام صادق (ع) که درباب انفال وارد شده است استناد نمود.^۱ منظور از انفال در فقه عبارت از کلیه اموالی است که مالک شخصی برای آن نیست و متعلق به فرد یا افراد مشخصی نمی‌باشد، اموالی که خداوند آن‌ها را برای بندگان خلق کرده است یعنی اموالی که ساخته دست بشر نبوده و به شخص خاصی تعلق ندارد. در یک مفهوم وسیع یعنی تمام ثروت‌های طبیعی از قبیل جنگل‌ها، بیشه‌ها، نیزارها، نهرها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، مراتع، فضاء، هوا، آب‌های زیرزمینی و حتی معادن (بنابر قولی) و کلیه اراضی آزاد مانند زمین‌های موات، قله‌های کوه‌ها و قعر دره‌ها و سواحل دریاها و غیره.... و اینکه اموال و منابع فوق در اختیار حکومت اسلامی است تا جهت منافع عموم نسبت به آن‌ها عمل نماید. البته در مورد قاعده مزبور این نکته حائز اهمیت است که حکومت موظف و مکلف است که جهت حفظ و نگهداری و مدیریت کلیه منابع و ثروت‌های طبیعی مزبور بکوشد. در نتیجه با توجه به این که مصادیق مذکور در حقوق محیط زیست مورد بحث قرار می‌گیرند بنابراین می‌توان گفت که موضوعات زیست محیطی با مسائل انفال کاملاً منطبق است.^۲ همان طور که ملاحظه می‌گردد قاعده فوق شباهت‌های فراوانی با اصل امانت عمومی کامن لا دارد، چنان که دربخش مربوطه نیز اشاره گردید براساس حقوق کامن لا و بر مبنای دکترین امانت عمومی منابع معین طبیعی و فرهنگی، مانند دریا، سواحل دریا و آب‌های جاری و غیره.. برای استفاده عمومی محفوظ و برای همگان مشترک می‌باشد و نمی‌تواند به استفاده خصوصی اختصاص یابد و این که حکومت موظف است منابع مزبور را جهت استفاده معقولانه عمومی حفظ و برقرار سازد. نکته-ای که در این‌جا در تطبیق قاعده انفال و دکترین امانت عمومی برداشت می‌شود این است که محتوی و مضمون قواعد مذکور مبتنی بر عقل و قواعد عقلی بوده که هر عقل سلیم و انسان خردمندی با هر فرهنگی که باشد قاعده مزبور را تأیید و امضاء خواهد کرد.

البته باید توجه داشت که قاعده مزبور در قوانین از جمله اصل چهل و پنجم قانون اساسی نمود یافته و این مهم مورد توجه و تاکید واقع گردیده است؛ اصل مزبور با عنایت به قاعده انفال که در مبحث قواعد و آموزه‌های فقهی به عنوان یکی از منابع حقوق محیط زیست بحث شد بیان می‌دارد:

انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون

^۱ - محقق داماد، سید مصطفی. فقه محیط زیست. شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۳. روزنامه اطلاعات. شماره ۲۵۸۸۰، بخش اول. همچنین نگاه کنید به میر حسینی، سید احمد. ۱۳۸۰. انفال و جایگاه حقوقی آن در اسلام. مجتمع آموزشی عالی قم. سال سوم، شماره یازدهم ص ۱۰۷ و ۱۰۸

^۲ - میر حسینی، سید احمد. پیشین. ۱۳۸۰. ص ۱۰۹. همچنین نگاه کنید به تقی زاده انصاری، مصطفی. پیشین. ۱۳۸۹. ص ۳۶

وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

در رابطه با اصل مزبور باید چند نکته را مد نظر قرار داد: اولاً همان‌گونه که بیان گردید این اصل برگرفته از قاعده انفال که یکی از مباحث فقهی است می‌باشد؛ گفتنی است که مستند انفال آیه یکم سوره مبارکه انفال و روایاتی است که از امامان معصوم نقل شده است که بحث تفصیلی آن پیش‌تر بیان گردیده و نیازی به تکرار آن نیست. ثانیاً باید توجه داشت که مطابق این اصل، انفال و ثروت‌های عمومی که در این اصل بیان شده است تمثیلی بوده و تمامی اموال، منابع و ثروت‌های عمومی و طبیعی که چنین خصیصه‌ای را دارا باشند را شامل خواهد شد. به عنوان مثال این اصل اشاره‌ای به تالاب‌ها یا جلگه‌ها نکرده است ولی بدیهی است که چنین منابعی نیز شامل اصل مزبور خواهد شد. ثالثاً باید توجه داشت که با توجه به عبارت "انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید" می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکومت اسلامی در قبال اموال و منابع مزبور امانت دار بوده و می‌بایست مطابق مصلحت و منافع همگان چنین منابعی را در اختیار بگیرد؛ درواقع حکومت اسلامی مکلف و موظف است از چنین منابعی به نحو احسن حفاظت و حمایت کرده و از آلودگی و تخریب آن‌ها جلوگیری کند. به عبارت بهتر اگر چنین منابعی آلوده شود یا مورد تخریب قرارگیرد چنین اقدامی نه تنها به نفع مصالح عمومی نیست بلکه به ضرر آن خواهد بود^۱.

در آخر نیز می‌بایست به این نکته مهم توجه داشت که قاعده انفال زمینه جرم‌انگاری سوءرفتارهایی که مخالف و متضاد قاعده مزبور بوده و از مصادیق آن شمرده می‌شود را فراهم آورده و به عبارت دیگر قاعده مزبور از منابع جرم‌انگاری سوءرفتارهای خلاف و متضاد قاعده مزبور شمرده شده و رویکرد و توجه قانون‌گذار برآن بوده است؛ چندان که به موجب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی هرکس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوار کنشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کربندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تاسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک موقوفات و محبوسات و اثاث باقیه که برای مصارف عام المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی- گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم شده و دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید. و یا به موجب فصل هفتم قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی مصوب ۳۰/۵/۱۳۴۶ هرکس به قصد تصرف به منابع ملی مذکور در ماده ۱ قانون ملی شدن جنگل‌های کشور تجاوز نماید به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد گردید.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر در زمینه قاعده انفال رجوع کنید به محقق داماد، سید مصطفی. فقه محیط زیست. شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۳. روزنامه اطلاعات. شماره ۲۵۸۸۰، بخش اول. همچنین نگاه کنید به میرحسینی، سید احمد. ۱۳۸۰. انفال و جایگاه حقوقی آن در اسلام. مجتمع آموزشی عالی قم. سال سوم، شماره یازدهم. و نیز رجوع کنید به تقی زاده انصاری، مصطفی. ۱۳۸۹. چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی. تحقیقات حقوقی آزاد. شماره ۸ و ۹.

۲_۱_۲_ احکام ثابت و خاص

منظور از احکام خاص احکامی می‌باشند که صریحاً و دقیقاً موضوعاتشان در منابع حقوقی اسلامی مطرح شده‌اند. مهمترین منابع حقوقی در اسلام کتاب(قرآن کریم) و روایات و سایر منابع هستند.^۱

۲_۱_۲_۱_ آیات و روایات: در قرآن و روایات، آیات و احادیث بسیاری وجود دارد که به طور مستقیم و صریح یا به

طور غیرمستقیم به مسئله محیط زیست و لزوم حفظ آن می‌پردازند که در ذیل به طور مختصر به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که محیط زیست را حق همگانی می‌داند، مانند آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره و آیه ۱۰ سوره اعراف یا آیه ۱۰ سوره الرحمن. این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد، البته نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این که اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که استفاده او به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.^۲

و نیز آیاتی که اسراف و تبذیر را نهی کرده و دلالت بر حرمت آن دارد مانند آیه ۲۸ و ۴۳ سوره غافر و آیه ۳۱ سوره اعراف یا آیه ۲۷ سوره اسراء؛ در معنای کلی به هرگونه تجاوز از حد و اندازه اسراف گفته می‌شود اما غالباً این کلمه در خصوص مصرف و هزینه‌ها به کار می‌رود، تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش است. در مورد این آیات با توجه به قرینه‌های موجود در آن گفته شده است که نهی از اسراف و تبذیر در آیات مزبور تحریمی بوده و به گفته محقق نراقی تردیدی در حرمت اسراف نیست و اجماع قطعی، بلکه ضرورت دینی و آیات انبوه و اخبار متعدد بر این حکم دلالت دارد. بدیهی است که اسراف در مقوله محیط زیست نیز وارد بوده و استفاده بی‌رویه و همراه با اسراف در رابطه با محیط زیست حرام و ممنوع می‌باشد.^۳

همچنین در قرآن آیاتی وجود دارد که دلالت بر نهی و حرمت فساد دارند مانند آیه ۸۵ و ۵۶ سوره اعراف و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره یا آیه ۴۱ سوره روم؛ در مورد آیات فوق و ارتباط آن با محیط زیست چند نکته حائز اهمیت است اولاً به نظر علامه طباطبائی ظاهر آیات فوق عام بوده و تمامی انواع فساد که نظام بشری و کره زمین را تهدید می‌کند را شامل می‌شود. ثانیاً تخریب و نابودی یا آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فساد انگیز در زمین است.^۴ ثالثاً نهی موجود در آیات، ظهور در حرمت و ممنوعیت دارد؛ پس هرگونه تخریب یا اتلاف یا ضرر بر محیط زیست از دید قرآن، حرام و ممنوع است. درواقع کلیه اقداماتی که به تخریب و نابودی منابع محیط زیست بینجامد و همچنین ویرانی‌های سطح کره زمین از قبیل

^۱ - همان. تقی زاده انصاری، مصطفی. ۱۳۸۹. ص ۱۳

^۲ - فیروزی، مهدی. ۱۳۸۴. حق برخورداری از محیط زیست سالم در قرآن کریم. رواق اندیشه. شماره ۴۲. ص ۷۱ و ۷۲

^۳ - فخلعی، محمد تقی. و احسان تازی مرادی. پیشین. ۱۳۸۵. صص ۴۰ و ۴۱ همچنین نگاه کنید به محمد زاده رهنی، محمد رضا.

پیشین. ۱۳۸۹. صص ۱۸۴، ۱۸۵. و همچنین رجوع کنید به عمیق، محسن. پیشین. ۱۳۸۸. صص ۱۱۴ تا ۱۱۶

^۴ - همان. فیروزی، مهدی. ۱۳۸۴. صص ۷۶ و ۷۷

فرسایش‌ها، سیلاب‌های مخرب و از این دست که از سوء تدبیر آدمیان و عدم اقدام مسئولانه آنان برای پیشگیری سرچشمه می‌گیرد مصداق فساد ظاهر در آیات کریمه محسوب می‌شوند.^۱

دربین روایات نیز احادیثی موجود است که روح کلیشان ایجاد حس مسئولیت در برابر پدیده‌های طبیعی و موجودات پیرامون است، چنان که حضرت علی (ع) در نخستین خطبه در بدو خلافتشان بیان می‌دارند: "اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنْ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ" به این معنی که: تقوی الهی را در بندگان و شهرها رعایت کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند حتی درباره خانه‌ها و حیوانات مسئول هستید (نهج البلاغه). علامه مجلسی در شرح این عبارت می‌نویسد: سؤال از زمین‌ها آن که چرا این زمین را ویران و دیگری را آباد کردید و چرا خداوند را در آن نپرسیدید و سؤال از چهارپایان، آن که چرا آن‌ها را گرسنه رها کردید و به درد آوردید و رعایت حقشان نمودید. در نتیجه مسئولیت انسان در قبال پدیده‌ها و اشیای پیرامون بسیار جدی و همه جانبه است.^۲

همچنین روایاتی نیز موجود است که از تخریب و آلوده ساختن منابع محیط زیست نهی کرده یا به آبادانی و سرسبزی زمین توجه دارند. به عنوان مثال هنگامی که حکومت حضرت محمد (ص) در مکه و مدینه برقرار شد، بر مراقبت از درختان در این شهرها و اطراف آن‌ها به وسیله فرامینی از جمله این فرمان تأکید ورزیدند: "من سرتاسر مدینه را از میان دو جاده کوهستانی‌اش مقدس اعلام می‌کنم به نحوی که برگ‌های درختان آن‌ها نباید کنده شود مگر برای تغذیه (دام)، نباید هیچ جانوری در مکه شکار شود و نباید هیچ درختی در آن جا بریده شود" (به نقل از مشکوه المصابیح)^۳؛ یا در حدیثی نبوی آمده است: "هر مسلمانی که ضراعت کند و یا درختی بکارد، انسان یا چهارپایی از آن استفاده نماید، به حساب صدقه به نفع او منظور می‌شود" (به نقل از نهج الفصاحه)^۴. یا این که در حدیثی دیگر امام صادق (ع) بریدن و قطع درختان را به شدت نهی فرموده‌اند که به موجب آن امام می‌فرمایند: لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ فَيَصُبَّ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبًّا به این معنا که "هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می‌آورد"^۵ بدیهی است که یکی از مصادیق تخریب و نابودی محیط زیست قطع درختان می‌باشد. در حدیثی دیگر نیز پیامبر اکرم (ص) از آلوده کردن حتی سرزمین مشرکان به سموم نهی کرده‌اند: نهی رسول الله صلى الله عليه واله أن يلقى السم في بلاد المشركين^۶. روایاتی نیز وجود دارد که دلالت بر کراهت و آلودگی آب دارند مانند روایاتی که در آن‌ها از ادرار کردن در آب نهی شده است مانند حدیث جابر از پیامبر که می‌فرمایند: (نَهَى أَنْ يُبَالَ فِي الْمَاءِ الرَّأَكِدِ) و یا روایت مسمع از امام صادق (ع) در باب مناهی پیامبر (ص): نهی أَنْ يَبُولَ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ؛ و قَالَ: إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا، در این باره گفته شده است که شکی نیست که روح این حکم پرهیز از آلوده کردن آب به هر طریق ممکن است.^۷

۲_۱_۳_ دلیل عقل و سیره عقلاء : واژه عقل در لغت، معانی متعددی دارد گاه به قوه درک کامل و بدون نقص و

گاه دیگر به غریزه‌ای که به واسطه آن، انسان آمادگی فهم سخن دیگری را دارا می‌شود اطلاق می‌گردد. عقل به معنای فهم و علم و معانی دیگر نیز به کار رفته است. درواقع مراد از عقل، نیرویی در انسان است که بدان وسیله قابلیت دریافت علوم نظری و

۴ - محمد زاده رهنی، محمد رضا. ۱۳۸۹. پیشین. ص ۱۸۵. همچنین نگاه کنید به فخلعی، محمد تقی. و احسان تازی مرادی. پیشین. ۱۳۸۵. ص ۴۰. و همچنین رجوع کنید به عمیق، محسن. پیشین. ۱۳۸۸. ص ۱۰۵
۵ - همان. فخلعی، محمد تقی. و احسان تازی مرادی. ۱۳۸۵. ص ۴۳

۱ - متفکر آزاد، محمد. و علی محمد خورشید دوست. (۱۳۹۱). محیط زیست و نگرش اسلامی. تبریز: دانشگاه تبریز. ص ۱۰۲

۲ - همان متفکر آزاد، محمد. و علی محمد خورشید دوست ص ۱۰۱

۳ - عمیق، محسن. ۱۳۸۸. پیشین. ص ۱۱۹ به نقل از وسائل الشیعه. ج ۱۹، ص ۳۹

۴ - همان عمیق، محسن. ص ۱۱۳. به نقل از کافی ج ۵، ص ۳۸

۵ - فخلعی، محمد تقی. و احسان تازی مرادی. پیشین. ۱۳۸۵. ص ۵۰

درک مفهوم اراده و انشاء را دارا باشد و این نیرو می‌تواند درکی داشته باشد که منشاء انتزاع حکم شرعی باشد. گفتنی است که احکام را از نظر مرجع صدور حکم به دو دسته شرعی و عقلی تقسیم می‌کنند. مقصود از حکم شرعی، قانونی است که از سوی خداوند متعال وضع گردیده تا زندگی انسان را تنظیم نماید و در قالب‌های مختلف به جوامع ابلاغ گردیده است. اما حکم عقلی همان ادراک عقل است که چنانچه با چنین ادراکی بتوان حکمی شرعی را استنباط کرد، آن حکم عقلی نیز در زمره ادله استنباط احکام شرعی قرار می‌گیرد و به همین اعتبار در علم اصول به حکم عقلی دلیل عقلی نیز گفته می‌شود.^۱ در مورد ارتباط بین دلیل عقلی و مسئله محیط زیست گفته شده است که بنا به دلیل عقل هرگونه اقدام انسان که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست و طبیعت و آن چه در آن زیست می‌کند بینجامد و موجب اخلاص در نظام زندگی و هلاکت نوع بشر شود قبیح و حرام است. در مقابل، تلاش آدمی در جهت حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن می‌انجامد موجب حفظ نظام و بقای نوع و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل، حفظ نظام هستی و بقای نوع بشر است که این مطلب از قضایای مشهوره و مورد تأیید عقلاء است و آرای عقلاء جملگی بر آن استقرار یافته است و خداوند نیز به عنوان خالق عقل و رئیس العقلاء با آن همراه گشته است.^۲ همچنین اصطلاح "بناء عقلاء" که در نزد دانشوران علم اصول فقه شیعه با عناوینی مانند عرف عقلاء، سیره عقلایی، سلوک و عمل عقلاء، بنای عرف، عرف عام، احکام عقلایی و روش عقلاء معروف و مورد استعمال و استفاده قرار گرفته است، عمل و روش عمومی عقلاء بماهیم عقل در محاورات، معاملات و سایر مناسبات و هنجارهای اجتماعی است که بدون توجه به دین یا فرهنگ و یا ملیت خاصی در طول زمان شکل می‌گیرد.^۳ درواقع به روش و سلوک خردمندان برای انجام یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی در علم فقه و اصول فقه بنای عقلاء اطلاق می‌گردد.^۴ چیزی که در مورد ارتباط بین بنای عقلاء و موضوع محیط زیست گفتنی است این است که چنانچه سیره عقلاء اثبات شود و بر اساس عقل سلیم شکل گرفته و شارع نیز آن را ردع نکرده باشد؛ حجت است و می‌توان از آن به عنوان یک دلیل شرعی استفاده کرد. در این جا نیز سیره عقلاء بر حفظ محیط زیست و تخریب نکردن آن تعلق گرفته و این که انسان‌ها باید در این مورد حق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به آن تعدی نکنند. این سیره نیز همچون دلیل عقل با عدم ردع شارع مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارت دیگر بنای عقلاء بر شناسایی حقوق محیط زیست و جبران خسارت ناشی از تجاوز بر آن استوار بوده و از ناحیه شارع ردع و منعی در این زمینه در دست نیست، چنان که عدم ردع شارع را کاشف از پذیرش او بدانیم بر لزوم جبران خسارت اذعان می‌نمائیم. همچنین بنای عقلاء بر مجازات متجاوز به محیط زیست تحقق یافته است، چنان که حقوق محیط زیست بین الملل و حقوق کشورها بر آن دلالت دارد.^۵

نتیجه‌گیری

با بررسی اصول، احکام، قواعد و دکترین‌های سستی کامن لا در حقوق ایالات متحده آمریکا و همپایه و هم‌تراز با آن قواعد و منابع فقهی در حقوق ایران نتایج زیر قابل برداشت خواهد بود: اولاً: از یک سوی نه تنها اصول و قواعد مزبور به عنوان یکی از مهمترین و ریشه‌دارترین منابع حقوق محیط زیست تحت دونظام مطرح گردیده است؛ بلکه خود نیز در حدوث سایر منابع

^۱ - صفری، محسن، ۱۳۸۷. شریعت اسلامی و استدلال عقلی از منظر امامیه. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۸، شماره ۲. صص ۲۱۳ تا ۲۱۹

^۲ - محمد زاده رهنی، محمد رضا. پیشین. ۱۳۸۹. ص ۱۹۱

^۳ - اصغری، سید محمد. ۱۳۸۴. بناء عقلا. دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران). شماره ۷۰. صص ۱ تا ۲۴

^۴ - جهانخواه، علی. ۱۳۹۰. جایگاه بنای عقلا در فقه شیعه. تخصصی علوم سیاسی. شماره هفدهم

^۵ - محمد زاده رهنی، محمد رضا. پیشین. ۱۳۸۹. صص ۱۹۱ و ۱۹۲ همچنین نگاه کنید به نقیعی، ابوالقاسم. ۱۳۹۱. محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن کریم. حقوق اسلامی

حقوقی همانند رویه قضایی و قوانین موضوعه (اعم از کد ایالات متحده، قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین خاص زیست محیطی) نقش ایفاء نموده و از چنین منابعی نشأت می‌پذیرد؛ چرا که همان گونه که در متن مقاله بیان گردید، قاعده امانت عمومی کامن لا خود در آراء قضای مورد استناد واقع شده و رویه برآن حکم گردیده است؛^۱ یا این که بسیاری از قواعد و اصول مزبور (مثل قاعده انفال، حقوق مربوط به بی‌مبالاتی، اصل تعدی و تجاوز و دکتترین مسئولیت مطلق و غیره.....) خود منشاء و منبع رویکرد قانون‌گذار در تصویب قوانین اعم از کیفری و حقوقی تحت دو نظام حقوقی بوده است. ثانیاً: تشابهات فراوانی بین اصول و قواعد فوق به عنوان منابع مهم راهبردی و و تاریخی حقوق محیط‌زیست تحت دو نظام مورد بررسی وجود داشته و تا حد بسیاری (صرف‌نظر از عناوین اصول و قواعد مزبور و با عنایت به محتوی و مضمون آن) واجد هم پوشانی و همسانی‌هایی است؛ چندان که از یک سوی محتوای قاعده امانت عمومی کامن لا و قاعده انفال در حقوق ایران تقریباً یکسان بوده و از سویی دیگر تشبیهاتی بین اصل تجاوز و تعدی و نیز دکتترین مسئولیت مطلق (به ویژه مسئولیت مطلق در شبه جرم و مسئولیت مدنی کامن لا) با قاعده تسبیب و اتلاف و یا قاعده لاضرر و قاعده مزاحمت و تجاوز کامن لا وجود داشته و تا حدودی همخوانی‌هایی بین اصول و قواعد فوق اشاره محسوس و قابل برداشت خواهد بود. ثالثاً: چنین منابعی خود موجب و منشاء جرم‌انگاری مصادیق و افراد تحت شمول قواعد و احکام مزبور (سوءرفتارهای مغایر با چنین اصول و قواعدی) مانند جرم-انگاری دکتترین مسئولیت مطلق و دکتترین امانت عمومی و نیز نظریه بی‌مبالاتی و یا قاعده انفال و تسبیب و غیره در قوانین گوناگون مرتبط با محیط‌زیست اعم از کد ایالات متحده و یا قانون مجازات اسلامی و نیز قوانین خاص مرتبط با محیط زیست تحت دو نظام مورد بررسی بوده است. رابعاً: نکته‌ای که در این‌جا در تطبیق اصول، قواعد و دکتترین‌های سنتی کامن لا و نیز قواعد و احکام سنتی فقهی تحت دو نظام برداشت می‌شود و با عنایت به آن چه که در مورد عقل و سیره عقلا بیان گردید، این که محتوی و مضمون قواعد مذکور مبتنی بر عقل و قواعد عقلی بوده که هر عقل سلیم و انسان خردمندی، با هر فرهنگی که باشد، قواعد مزبور را تأیید و امضاء خواهد نمود.

۱- چه بسا چنین اصول و دکتترینی مورد استناد قضات در آراء قضایی بوده است

واین، آرفیو. (۱۳۹۰). عنصر معنوی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا. برگردان فاطمه موسوی خوشدل. تهران: میزان

یزدیان جعفری، جعفر. ۱۳۸۷. اصل تناسب جرم و مجازات؛ چرایی و چگونگی آن. نامه مفید. شماره ۶۷

قاسمی، ناصر. ۱۳۹۱. حقوق کیفری محیط زیست، چاپ اول (ویرایش سوم)، تهران: خرسندی

موسوی مقدم، محمد. ۱۳۸۹. حقوق کیفری محیط زیست - ضابطان پسماندها، چاپ اول، قم: حقوق امروز

شاهچراغ، سیدحمید، ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا، حقوقی دادگستری، شماره ۷۸

اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.

عالی پور، حسن. ۱۳۹۳. «حقوق کیفری فناوری اطلاعات»، چاپ دوم، تهران: خرسندی

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: دانشگاه تهران

نوریها، رضا. (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش.

Yount, Joshua D. "The Rule of Lenity and Environmental Crime," *University of Chicago Legal Forum*: Vol. 1997: Iss. 1, Article 23

John Kaplan, Robert Weisberg, Guyora Binder , *Criminal Law - Cases and Materials*, 7th ed. 2012, (Wolters Kluwer Law & Business)

Robinson, Paul H., *Strict Liability's Criminogenic Effect* (January 2, 2017). *Criminal Law and Philosophy*, Forthcoming, U of Penn Law School, Public Law Research Paper No. 17-5, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2894455>

Christopher L. Bell , *Environmental Law Handbook* ,2014 , (22nd Edition) , Published by Bernan Press, Printed in the United States of America.

Luis E. Chiesa, *Mens Rea in Comparative Perspective* , 102 Marq. L. Rev. 575 (2018). Available at: https://digitalcommons.law.buffalo.edu/journal_articles/943 -

Wechsler, H. (1962). On Culpability and Crime: The Treatment of Mens Rea in the Model Penal Code. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 339(1), 24-41.

Wong, A. H. L. (2024). Justifications for Imposing Strict and Absolute Criminal Liability, and the Case for a Halfway House Defence. *The Journal of Criminal Law*, 88(5-6), 358-373.

Scott England, *Default Culpability Requirements: The Model Penal Code and Beyond*, 99 *Oregon Law Review* 43 (2020).

Sampsell-Jones, Ted (2013) "Mens Rea in Minnesota and the Model Penal Code," *William Mitchell Law Review*: Vol. 39: Iss. 5, Article 2.

MICHAEL SEROTA , *STRICT LIABILITY ABOLITION* , *NEW YORK UNIVERSITY LAW REVIEW* , [Vol. 98:112 , April 2023] ,

A Saltzman STRICT CRIMINAL LIABILITY AND THE UNITED STATES CONSTITUTION - SUBSTANTIVE CRIMINAL LAW DUE PROCESS , Wayne Law Review Volume: 24 Issue: 5 Dated: (SEPTEMBER 1978)

Kalyani Robbins, Paved With Good Intentions: The Fate of Strict Liability under the Migratory Bird Treaty Act , 42 Env'tl. L. 579 (2012).

Berry III, William W., Mandatory Sentences as Strict Liability (February 26, 2023). Washington and Lee Law Review, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4371466>

Kathleen F. Brickey , Environmental Crime: Law, Policy, Prosecution , 2008, Aspen Publishers; 4th edition

Weidel, Ruth , Mayo, John & Zachara, F. (1991) "The Erosion of Mens REA in Environmental Criminal Prosecutions," Seton Hall Law Review: Vol. 21 : Iss. 4 , Article 7.

Anna Alberini and David Austin , Strict Liability as a Deterrent in Toxic Waste Management: Empirical Evidence from Accident and Spill Data , Journal of Environmental Economics and Management, 1999, vol. 38, issue 1, 20-48 ,

PAUL J. LARKIN, JR , STRICT LIABILITY OFFENSES, INCARCERATION, AND THE CRUEL AND UNUSUAL PUNISHMENTS CLAUSE , Harvard Journal of Law & Public Policy , [Vol. 37 , No. 3]

Philip H. Hilder and Paul L. Creech . THE MIGRATORY BIRD TREATY ACT OF 1918 AND THE CRIMINAL LIABILITY OF POLLUTERS. hilder associates, p.c. attorneys at law , Available at:- <https://www.hilderlaw.com/> , 2/6/2023.

Richard J. Lazarus, Mens Rea in Environmental Criminal Law: Reading Supreme Court Tea Leaves, 7 Fordham Env'tl. L. Rev. 861 (2011).

Kristina Alexander (Legislative Attorney) .2010 .The 2010 Oil Spill: Criminal Liability Under Wildlife . Congressional Research Service .page 5

Cary R. Perlman.(2009). Environmental Litigation: Law and Strategy. U.S.A: American Bar Association.

https://www.law.cornell.edu/wex/ respondeat_superior (2024 , september 16)

http://nationalparalegal.edu/public_documents/courseware_asp_files/criminalLaw/basicElements/ModelPenalCodeMensRea.asp .(2024, september 15)

<http://www.legalmatch.com/law-library/article/criminal-negligence-laws.html> (2024, september 21)

<http://www.legalmatch.com/law-library/article/strict-liability-crimes.html> (2024, september 23)

José Ignacio Destéfánis , Should Criminal Law Only Prevent Risks? On Strict Liability , FACULTY OF LAW BLOGS , UNIVERSITY OF OXFORD , <https://blogs.law.ox.ac.uk/centre-criminology-blog/blog-post/2024/03/should-criminal-law-only-prevent-risks-strict-liability> 8 March 2024) <https://www.justice.gov/atr/case/us-v-time-dc-inc> , (16/2/2024)

law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/381/730/2006021/ (16/2//2024)

<https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/716/1341/2345106/> (16/2/2024)

lambert v. California, 355 U.S.255, 78 s.ct. 240, 2 L.Ed.2d 288 (1957)

United States v. T.I.M.E.-D.C., Inc.

United States v. Bank of New England, N.A.,

United States v. Pacific Hide & Fur Depot, Inc. see in <https://www.quimbee.com/cases/united-states-v-pacific-hide-fur-depot-inc>

the Court of Appeals for the Ninth Circuit in United States v. Jewell , 532 F.2d 697 (9th Cir. 1976), cert. denied, 426 U.S. 951 (1976).

Pharmaceutical Society of Great Britain v Storkwain [1986] UKHL 13, [1986] 2 All ER 635

The Ninth Circuit, in United States v. Weitzenhoff ,35 F.3d 1275 (9th Cir. 1993).

United States v. Hopkins, 53 F.3d 533 (2d Cir. 1995)

United States v. IMC Shipping Co. Pte. Ltd., No. 3:07-CR-00096-RPB (D. Alaska aug . 22 ,2007)

United States v. Ahmad, 101 F.3d 386 (5th Cir. 1996)

the Toxic Substances Control Act (TSCA).

Currency Transaction Reporting Act.

33.USC.1319.c

33.USC.1321.b.3

33.USC.1411

33.USC.1415

16.USC.707.a

16.USC.703

33.USC.1319.(C).(1).(b)&(2).(b)

42.USC.7413..(C).(5)

42.USC.11002.(a).(2)

42.USC.6928.(d).(1) until (7)

42.USC.6928.e